



«احکام فقهی ربا و بهره بانکی» «میان مسلمان و کافر»

پدیدآورنده (ها): زرگوش نسب، عبد الجبار

فلسفه و کلام :: نشریه پژوهش های اعتقادی کلامی :: بهار ۱۳۸۷ - شماره ۹ (ISC)

صفحات: از ۱ تا ۱۸

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/590693>

تاریخ داندود: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- عوامل انحطاط اخلاقی جامعه در عصر امام سجاد علیه السلام
- مدیریت مسجد: تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی
- نقش توانمندی ایگو و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی آسیب‌پذیری نسبت به اعتیاد با نقش واسطه‌ای سرکوبگری عاطفی در نوجوانان پسر
- زبان بدن
- استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی (قسمت چهارم)
- انحطاط فرهنگی در آیین قرآن
- مدیریت بحران در دانشگاه ها
- اسلام و ناسیونالیسم
- اسلام در چین
- واکاوی مفهومی دلبستگی ملی
- ناسیونالیسم آری، ناسیونالیسم هرگز
- نقش حاشیه نشینی بر بروز اعتیاد نوجوانان کانو اصلاح و تربیت تهران

عناوین مشابه

- بررسی چالش های فقهی و حقوقی عملیات بانکی بدون ربا در ایران
- بانکداری: تحلیل فقهی اقتصادی ربا در وام های مصرفی و وام های سرمایه گذاری و کاستی های فقه
- متداول در کشف احکام شارع
- تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام های مصرفی و سرمایه گذاری و کاستی های فقه متداول در کشف احکام شارع
- بانکداری: تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام های مصرفی و سرمایه گذاری و کاستی های فقه متداول در کشف احکام شارع (۳)
- سپرده های بانکی «تطبیق فقهی و احکام آن»
- بانکداری: تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام های مصرفی و سرمایه گذاری و کاستی های فقه متداول در کشف احکام شارع (۲)
- نظام بانکی ایران و مشکلات آن؛ قانون بانکداری بدون ربا نظام بانکی مبتنی بر بهره
- رابطه میان بازار سرمایه، سپرده‌های بانکی و سفته‌بازی ارزی: با تاکید بر نقش نرخ بهره در اقتصاد ایران
- بهره در بانک های دولتی ربا نیست؛ سخنرانی آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی و واکنش انتقادی آیت الله هاشمی شاهرودی در کمیسیون مسائل بانکی
- تحلیل فقهی احکام پیمان بلند مدت سیاسی و اقتصادی با دول کافر در جهت خنثی سازی تحریم ها

«احکام فقهی ربا و بهره بانکی» « میان مسلمان و کافر »

عبدالجبار زرگوش نسب*



چکیده:

یکی از مسایل مهم فقهی و اقتصادی جامعه به خصوص مسلمانان مقیم کشورهای غیراسلامی، مسأله معاملات ربوی و بهره بانکی بین مسلمانان و غیرمسلمانان در سرزمینها و کشورهای غیراسلامی - دارالکفر - و سرزمینها و کشورهای اسلامی - دارالاسلام - است، در راستای بدست آوردن احکام فقهی بهره بانکی و معاملات ربوی میان دو ملت مسلمان و کافر، روایات و آرای فقها و علمای شیعه و اهل تسنن، مورد بررسی قرار می گیرد، البته با مدنظر قرار دادن وجود امان نامه بین مسلمانان و غیرمسلمانان که در عصر کنونی با مقررات و قوانین رفت و آمد کشورها برابر است.

واژگان کلیدی:

ربا، بهره بانکی، فقه، مسلمان، کافر

* - دانشجوی دکتری (phd) واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد ایلام

طرح مسأله:

بدست آوردن احکام ربا میان مسلمانان و غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی که به عنوان دار الاسلام و دار الحرب در متون اسلامی ذکر شده، دارای اهمیت بسزایی است، بخصوص که در عصر کنونی بسیاری از مسلمانان به کشورهای غربی مهاجرت نموده اند و در آنجا اقامت کرده اند، و نیز تعدادی از غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب ساکن کشورهای اسلامی هستند و معاملات ربوی میان دو طرف در دو سرزمین صورت می گیرد، و مهمتر از آن مسلمانان به قصد به دست آوردن سود و بهره بانکی در بانک های کشورهای خارجی غیر اسلامی سپرده گذاری می نمایند و از بانک هایی که سرمایه شان متعلق به کافران است وامهایی دریافت می کنند؛ لذا در این راستا، روایات و آرای علما و فقهای فریقین اهل تسنن و تشیع مورد بررسی قرار می گیرند.

بهره و ربا بین مسلمان و غیر مسلمان از دیدگاه روایات شیعه:

پیرامون بهره و ربا بین مسلمان و غیر مسلمان در کتابهای حدیث شیعه سه روایت وجود دارد، که مورد بررسی قرار می گیرند: بهره و ربا گرفتن مسلمان از کافر حربی از دیدگاه روایات شیعه جایز است، در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است: «قال رسول الله (ص): ليس بيننا وبين أهل حربنا ربا، نأخذ منهم ألف ألف درهم بدرهم، نأخذ منهم و لا نعطيهم» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۴۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۸، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۳؛ طوسی، ۱۹۵۶، استبصار، ج ۳، ص ۷۰ و ۷۱؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۹۰، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۶) یعنی بین ما و بین کافران حربی ربا نیست، هزار هزار درهم در مقابل یک درهم از آنها می گیریم، از آنها بهره می گیریم ولی به آنها سود نمی دهیم.

صاحب جواهر در مورد این روایت فرموده: «ضعف این روایت باعمل اصحاب و علمای امامیه به آن جبران می شود» (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۳، ص ۳۸۲) و نیز فرموده «این روایت که صدوق آن را به صورت مرسله نقل کرده، کلینی در کافی آن را مستند روایت نموده» (همان). شیخ طوسی نیز این روایت را مستند به صورت ذیل نقل کرده: «محمد بن یعقوب عن حمید بن زیاد عن الخشاب عن ابن بقاج عن معاذ بن ثابت عن عمرو بن جُمیع عن ابی

عبدالله(ع)قال:قال أمير المؤمنين(ع) قال رسول الله(ص)« (طوسی، ۱۹۵۶، استبصار، ج ۳، ص ۷۰).

بر اساس این روایت گرفتن سود و بهره اعم از بهره بانکی برای فرد مسلمان جایز است، همچنین روایت اطلاق دارد شامل دریافت سود از غیر مسلمان خواه ساکن کشورهای اسلامی باشد یا غیر اسلامی، و از لحاظی دیگر تصریح دارد به اینکه مسلمانان تنها می توانند سود بگیرند نه اینکه سود بدهند.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده: «محمد بن علی الحسین قال: قال الصادق(ع): ليس بين المسلم و بين الذمی ربا ولا بین المرأة و بین زوجها ربا.» (حرعاملی، همان، ص ۴۳۷: ابن بابویه قمی، همان). یعنی بین مسلمان و ذمی ربا نیست و بین زن و شوهرش نیز ربا نیست. بعضی از علما آن را بر ذمی که پایبند به شرایط ذمه نیست حمل کرده اند، حرعاملی در ذیل روایت فرموده: «بعضی از علما آنرا بر ذمی که پایبند به شرایط ذمه نیست حمل کرده اند» (همان). بنابراین گرفتن سود و بهره از ذمی که پایبند به شرایط ذمه نیست جایز است.

در روایتی دیگر از امام باقر(ع) آمده: «عن محمد بن یحیی، عن محمد بن احمد، عن محمد بن عیسی، عن یاسین الضریر، عن حریر، عن زراره، عن ابی جعفر(ع) قال: ليس بين الرجل وولده و بين عبه و لا بین اهله ربا، إنما الربا فیما بینک و بین مالا تملک، قلت: فالمرکون بین و بینهم ربا؟ قال: نعم» (حرعاملی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۴۳۶) شیخ طوسی این روایت را نقل کرده باین تفاوت که محمد بن مسلم از امام روایت می کند و زراره از محمد بن مسلم (استبصار، ۱۹۵۶، ج ۳، ص ۷۱). صاحب جواهر با تعبیر دو صحیح: صحیح زراره که کلینی روایت کرده، و صحیح محمد بن مسلم که شیخ طوسی نقل کرده ذکر نموده (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۳، ص ۳۷۹).

ترجمه روایت: امام باقر(ع) فرموده اند: بین مرد و فرزندش و بین او و عبدش و بین او و همسرش ربا نیست، بلکه ربا تنها بین تو و بین آنچه که مالک نیستی (کسانی که به تو تعلق ندارند) هست. راوی می گوید: گفتم: مشرکین چگونه آیاتین من و بین آنها ربا هست؟ امام فرمود: آری، بین تو و مشرکین ربا هست. اینجا سؤالی مطرح است که منظور

از مشرکین در این روایت مشرکین حربی هستند یا مشرکین غیر حربی و اهل ذمه؟ اگر منظور مشرکین حربی باشند این روایت باروایت اول که تصریح دارد در اینکه بین مسلمان و کافر حربی ربا نیست تعارض پیدا می کند. صاحب جواهر فرموده: «ممکن است منظور از مشرکین در خبر زراره مشرکان حربی نباشند بلکه منظور از آنها اهل ذمه - کافران کتابی که شرایط ذمه را پذیرفته اند - باشد» (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۳، ص ۴۸۲). حرعاملی در ذیل روایت می فرماید: «این یا به ذمی اختصاص دارد به دلیل روایتی که گذشت، یا اینکه بر مکروه بودن ربا بین مسلمان و مشرک حمل می شود.» (همان، ص ۴۳۶) شیخ طوسی دو وجه در مورد روایت ذکر می کند «یکی اینکه اختصاص به مشرکین اهل ذمه دارد، زیرا آنها مشرکند ولی چون جزیه پرداخت می کنند و در ذمه مسلمانان حق پیدا می کنند، بنابراین معامله ربوی با آنها جایز نیست، ولی نسبت به حربی های آنها جایز است.. دوم اینکه مشرکین از ما سود و زیادی بگیرند و به ما کم دهند که در این صورت ربا است و این جایز نیست، زیرا روایت اول که اجازه معامله ربوی با کافر حربی داده بود مفادش این بود که ماسود و زیادی از آنها بگیریم و به آنها کمتر بدهیم نه برعکس» (طوسی، استبصار، ج ۳، ص ۷۱) بنابراین مفاد این روایت باروایات قبل تعارض ندارد پس با توجه به اینکه در روایت اول قید حربی وجود داشت، و علماروایت دوم را بر ذمی که پایبند به شرایط ذمه نیست حمل کرده اند، و مشرکین در روایت سوم بر مشرکین حربی از اهل کتاب حمل کرده اند در یک وجه، و در وجه دیگر بر کراهت معامله ربوی با مشرکین - چنانچه حرعاملی فرمودند - حمل نمودند. یا بر اینکه منظور از آن پرداخت سود و بهره به مشرکین باشد چنانچه شیخ طوسی فرمودند، از آن به دست می آید که گرفتن سود و بهره از کافر حربی خواه اهل کتاب باشند یا نباشند جایز است، و پرداخت سود به آنها جایز نیست، و معامله ربوی با اهل کتاب که شرایط ذمه را پذیرفته اند - که در عصر کنونی با مقررات و قوانین سکونت و رفت و آمد کشورها برابر است - جایز نمی باشد.

بهره و ربا بین مسلمان و غیر مسلمان از دیدگاه روایات اهل تسنن:

روایتی از پیامبر (ص) نقل کرده اند که معروف به روایت مکحول است، مفادش

جایز بودن گرفتن سود و بهره از کافر حربی است، مشروط بر اینکه در دار الحرب (کشورهای غیر اسلامی) باشد، و از لحاظی مطلق است که شامل گرفتن سود و دادن آن به کافر می شود: «عن النبی (ص) انه قال: لا ربا بین المسلم و الحربی فی دار الحرب» (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۱۴، ص ۵۶) مکحول از پیامبر (ص) روایت کرده است که حضرت فرموده اند: میان مسلمان و کافر حربی در دارالحرب ربا نیست.

مفاد روایتی دیگر، جواز گرفتن سود و بهره از کافر در دارالحرب است، جابربن عبدالله از پیامبر (ص) نقل کرده که حضرت در خطبه حجت الوداع روز عرفة سال (۱۰) هجری قمری فرموده است: «ربا الجاهلیه موضوع، و أول ربا أضعه ربا العباس بن عبدالمطلب، فانه موضوع كله» (نیسابوری، ۱۹۵۵ م، ج ۲، ص ۸۸۹: بیهقی، ۱۳۵۲، ق، ج ۹، ص ۱۰۶؛ طحاوی، ۱۳۳۳ق، ج ۴، ص ۲۴۴). یعنی: ربای دوران جاهلیت ساقط است، اولین ربایی که آنرا ساقط می کنم ربای عباس بن عبدالمطلب است که همه آن ساقط است.

عباس بعد از اینکه اسیر شد مسلمان شد و به مکه برگشت، ساکنان مکه مشرکان حربی بودند، عباس آنجا معامله ربوی می کرد و سود قرض و معامله می گرفت در حالی که پیامبر (ص) از معاملات ربوی او اطلاع داشت، و او را از آن نهی نکرد، این دلالت دارد بر جواز گرفتن و دادن سود و بهره و معامله ربوی در دارالحرب.

طحاوی گفته: «این روایت دلالت دارد بر اینکه ربا بین مسلمانان و غیر مسلمانان در مکه حلال بوده، از آنجا که مکه دار الحرب بوده است، ولی ربا بین مسلمانان در دار الاسلام حرام است، این دلالت دارد بر مباح بودن ربا بین مسلمانان و غیر مسلمانان در دار الحرب» (طحاوی ۳۳۳۱، ج ۴، ص ۲۴۵).

سرخسی گفته: «این به خاطر آن است که عباس بعد از اینکه مسلمان شد به مکه برگشت و رباخوری می کرد، کارش را بر پیامبر (ص) مخفی نمی کرد، از آنجا که پیامبر (ص) او را از آن نهی نکرده است دلالت بر جایز بودن ربا دارد» (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۴، ص ۷۵). قاضی ولید بن رشد مالکی گفته: «گفتار پیامبر (ص) - در خطبه حجت الوداع - بر جواز گرفتن ربا و سود از کافران حربی در دارالحرب دلالت دارد؛ چنانچه ابوحنیفه قایل به آن شده است؛ زیرا مکه دار الحرب بود و عباس که مسلمان بود در آنجا ساکن بود»

(طحاوی، ۱۳۳۳، ج ۴، ص ۲۴۶).

پس بنابراین بهره گرفتن از کافران حربی در دارالحرب جایز است.

آرای فقه‌های شیعه پیرامون بهره بانکی و ربا میان مسلمان و غیر مسلمان: آرای فقه‌های قدما :

به نظر شهید اول و دوم، سود گرفتن مسلمان از غیر مسلمانی که پیمان معاهده با مسلمانان داشته باشد یا نداشته باشد جایز است، و نیز به نظر اینها تفاوتی نیست بین اینکه در دارالاسلام (کشورهای اسلامی) باشند یا در دارالحرب (کشورهای غیر اسلامی): «بین مسلمان و کافر حربی ربا نیست، به شرط آنکه زیادی را مسلمان دریافت کند؛ اما اگر کافر زیادی را دریافت کند ربا است، و تفاوتی نیست بین اینکه در دارالاسلام (کشورهای اسلامی) باشند یا در دارالحرب (کشورهای غیر اسلامی)، و تفاوتی میان کافر حربی معاهد و غیر معاهد نیست، و نیز تفاوت نمی کند که در دارالحرب باشند یا در دارالاسلام» (جبعی عاملی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۴۳۹).

اما ربا و گرفتن سود بین مسلمان و ذمی بنابر نظر مشهورتر جایز نیست، و گفته شده مانند حربی گرفتن سود جایز است «ربا میان مسلمان و کافر ذمی بنابر قول مشهورتر ثابت است، و گفته شده است که در این مورد نیز همانند کافر حربی ربا وجود ندارد» (همان). به نظر شیخ صدوق ربا بین مسلمان و ذمی نیست «بین پدر و فرزند و بین شوهر و همسر و بین مولی و عبد و بین مسلمان و ذمی ربا نیست» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵، ص ۳۷۴). اما شیخ طوسی معامله ربوی بین مسلمان و ذمی که پایبند به شرایط ذمه است حرام، و بین مسلمان و کافر حربی جایز می داند (طوسی، ۱۹۵۶، استبصار، ج ۳، ص ۷۱).

صاحب جواهر تصریح نموده به اینکه گرفتن سود و بهره از کافرانی که اموالشان محترم نیست جایز است و در این مورد ادعای اجماع محصل و منقول کرده، و معامله ربوی با کافرانی که اموالشان محترم است حرام است، به نظرایشان کفاری که اموالشان محترم است عبارتند از: کافرانی که شرایط ذمه را پذیرفته اند، کافرانی که با مسلمانان صلحنامه امضا کرده

اند، کافرانی که امان نامه دارند، و کافرانی که با مسلمانان معاهده و پیمان دارند. ایشان فرموده اند: «بین مسلمان و کفار حربی به اجماع محصل و منقول جایز است در صورتی که مسلمان سودبگیرد» (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۳، ص ۳۸۲)، نیز گفته اند: «ربا بین مسلمان و ذمی به طور قطع است و جایز نیست در صورتی که ذمی سود بهره ببرد، اما برعکس مسلمان سودبگیرد - بنا بر نظر مشهور ترفقهها بلکه به نظر مشهور جایز نیست» (همان، ص ۳۸۳) سپس در صفحه بعد می فرماید: «از آنچه گفته شد معلوم می گردد که بین ما مسلمانان و سایر گروههای کفار که اموالشان محترم است به دلیل اینکه یا اهل ذمه هستند و شرایط ذمه را پذیرفته اند، یا اینکه با مسلمانان صلحنامه دارند، یا امان نامه دارند، یا با مسلمانان معاهده و پیمان دارند معامله ربوی با اینها جایز نیست، برخلاف کفاری که اموالشان محترم نیست مسلمانان می توانند با این گروه از کفار معامله ربوی داشته باشند» (همان، ص ۳۸۴).

آرای فقههای معاصر شیعه:

امام خمینی (ره) فرموده اند: «بین مسلمان و کافر حربی ربا نیست یعنی اینکه مسلمان سود و زیادی بگیرد، ولی بین مسلمان و ذمی ربا است» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۳۹). در کتاب (فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت الله سیستانی) آمده: «برای هر مسلمانی جایز است در بانک های غیر اسلامی اعم از دولتی و یا خصوصی حساب باز کند و پول به ودیعت بنهد هر چند به نیت گرفتن سود؛ زیرا گرفتن ربا از نامسلمان جایز است» (حکیم، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱). و نیز در همین کتاب آمده: «مسلمان می تواند در بانک، هر نوع حسابی را بگشاید و مبالغی را در آن حساب، سپرده گذاری کند و شرط سود بنماید اگر آن بانک دولتی باشد و یا مردمی و خصوصی که سرمایه گذاران آن غیر مسلمانند» (همان، ص ۱۸۳ و ۱۸۴).

آقای سیستانی می فرماید: «سپرده گذاری برای بدست آوردن سود در بانکهایی که سرمایه شان متعلق به کافرانی است که اموالشان محترم نیست - چه این بانکها خصوصی باشند و چه دولتی یا مشترک - جایز است؛ زیرا گرفتن ربا از آنها جایز است؛ اما قرض گرفتن از آنها به شرط پرداخت سود، حرام است و می توان برای رهایی از آن، مال را به

عنوان غنیمت، نه به عنوان قرض از بانک گرفت... هر چند بداند که آنها اصل مال و سود را از او خواهند گرفت» (سیستانی، ۱۴۲۰، منتخب توضیح المسائل، ص ۳۰۱) از آرای آقای سیستانی در سه عبارت فوق و باتوجه به آنچه صاحب جواهر فرموده اند، می توان نتیجه گرفت که گرفتن سود و بهره بانکی از بانک هایی که سرمایه شان متعلق به کافرانی است که اموالشان محترم نمی باشد جایز است، و گرفتن سود از اقلیتهای دینی که در کشورهای اسلامی زندگی می کنند و کافرانی که به طور قانونی وارد کشور اسلامی شده اند، جایز نمی باشد؛ زیرا اموال این دو گروه محترم است به دلیل اینکه گروه اول یعنی اقلیتهای دینی حکم اهل ذمه را دارند که اموالشان محترم است، و گروه دوم که به طور قانونی وارد سرزمین اسلام شده اند در حکم کافرانی هستند که امان نامه دارند و اموال این گروه نیز محترم است. از جهتی دیگر می توان گفت گرفتن بهره بانکی از بانکهایی که اموالشان متعلق به کافرانی است که اموالشان محترم نیست جایز است خواه در سرزمین و کشور اسلامی باشند یا در کشورهای غیر اسلامی، اما سود دادن به آنها جایز نیست، مگر با حیل شرعی.

آقای مکارم شیرازی گرفتن بهره بانکی از بانک های خارجی و غیر مسلمان را جایز می داند: «گرفتن سود از بانک های خارجی و غیر مسلمان اشکال ندارد، ولی از بانکهای مسلمان حرام است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۹۷).

شهید صدر (قدس سره)، گرفتن بهره بانکی و سود از بانک های غیر مسلمان و بانک های کشورهای اسلامی که رژیم حاکم آنها غیر اسلامی است را جایز می داند، ایشان فرموده اند: «در حالی که بانک غیر ربوی از سود گرفتن از قرضههایی که به افراد و یا به مؤسسات، به خاطر پرهیز کردن از ربا امتناع می ورزد، به خود اجازه می دهد که در بانکهای افرادی که به اسلام اعتقاد ندارند و در بانکهای حکومتهایی که به احکام اسلام عمل نمی کنند با قصد سود گرفتن سپرده گذاری کند، پس بانک اسلامی، به عنوان قرض دهنده، سود از قرض گیرنده نمی گیرد، ولی به عنوان سپرده گذار در آن بانکها می تواند سود بگیرد... و دلیل فقهی آن براساس چند حکم است که در مقدمه آنها دلیل فقهی است که معامله ربوی با کافر غیر ذمی و گرفتن سود از او را جایز می داند» (صدر، ۱۹۷۸).

م، ص ۱۳ و ۱۴).

مقام معظم رهبری، دریافت سود از بانک های دولتهای غیراسلامی، اعم از اینکه صاحب بانک اهل کتاب یا مشرک باشد جایز می داند، و اگر صاحبان سرمایه بانک مشترک بین مسلمان و غیرمسلمان باشد، گرفتن سود نسبت به سهام غیرمسلمانان جایز و نسبت به سهام مسلمانان غیر جایز می داند، ایشان در پاسخ به دو سؤال در این زمینه، فتوای جواز داده است. «سؤال: آیا گرفتن سود پولی که در بانکهای دولتهای غیراسلامی گذاشته می شود جایز است؟ و آیا اگر آن را بگیرد تصرف در آن اعم از اینکه صاحب بانک اهل کتاب باشد یا مشرک و هنگام سپردن پول، شرط دریافت سود کرده باشد یا خیر، جایز است؟

جواب: در فرض مرقوم سود گرفتن جایز است، حتی اگر شرط دریافت سود کرده باشد.

سؤال: در فرض فوق اگر بعضی از صاحبان سرمایه بانک مسلمان باشند، آیا در این صورت گرفتن سود از این بانکها جایز است؟

جواب: گرفتن سود نسبت به سهام غیرمسلمانان اشکال ندارد ولی نسبت به سهم مسلمان، در صورتی که سپردن پول به بانک همراه با شرط سود و ربا و یا به قصد دستیابی به آن باشد، گرفتن سود جایز نیست. (خامنه ای، ۱۳۸۵، ص ۴۶۷ و ۴۶۸). ایشان گرفتن سود از بانک های کشورهای اسلامی را جایز نمی داند (همان، ص ۴۶۸). و نیز می فرماید «معاملات ربوی و گرفتن بهره قرض نسبت به بانک ها و مؤسسات اسلامی جایز نیست مگر آنکه سرمایه بانک متعلق به غیر مسلمانان باشد» (همان، ص ۴۷۰).

مرحوم معرفت برخلاف تمام فقههای شیعه و اهل تسنن به طور مطلق گرفتن بهره بانکی و سود از بانکهای اسلامی و غیر اسلامی و پرداخت سود به آن بانکها را جایز دانسته است، البته نه به دلیل اینکه موضوع ربا صدق می کند و حکم برداشته شده است، بلکه به نظر ایشان ملاکهای تحریم ربا بر بهره بانکی تطبیق نمی کند، زیرا بانک یک مسأله جدید است، و ربایی که شارع مقدس حرام کرده ربایی بین اشخاص حقیقی است و ملاک آن استثمار اشخاص بوده است، و ربایی که در بانک مطرح است مشمول استثمار

نیست، ایشان در مصاحبه ای با مجله نقد و نظر می فرمایند: «ربایی که شارع حرام کرده همان ربایی بوده که بین اشخاص حقیقی جریان داشته و مسأله استثمار مطرح بوده است. و با ملاک قرار دادن عناوین باید دید که ربای متداول امروزه در بانک مشمول عنوان استثمار است یا نه؟ آیا استثماری در کار هست؟ به عبارت دیگر، اصلاً ربای بانکی برای این است که پولهای سرگردان را به کار بیندازد و به واسطه آن، افراد به کار بیفتند و چرخ اقتصادی جهان بچرخد، و از طرف دیگر، شخص هم در کار نیست، و در واقع کار بانک امروزه «منا والینا» است یعنی هیچ یک از ملاکات ربا که شارع در صدر اول حرام کرده در این معاملات ربوی بانکی وجود ندارد؛ پس وجهی برای حرمت آن نیست؟ لذا از این راه ما تحلیل و تجویز می کنیم که بهره بانکی اشکالی ندارد. البته در این مسأله بین بانکهای دولتی و خصوصی فرق است» (معرفت، مجله نقد و نظر، ۱۳۷۴ش، سال دوم، شماره پنجم، ص ۲۹). و نیز محمدهادی معرفت می فرماید: «مسأله ربایکی از مسائل مشکل زمان ماست، مخصوصاً مسائل بانک زیرایکی از مسائل اجتماعی و اقتصادی روز مسأله بانک است - یعنی جامعه ای منهای بانک نمی تواند روی پای خودش بایستد. معاملات بین المللی به هم می خورد و هم تمام نظام اقتصادی، سیاسی و حتی نظام فرهنگی به هم می خورند، چون امروزه نظام دنیا روی بانک حرکت می کند و بانک یک هسته محوری است و از آنجایی که بانک را ما به وجود نیاورده ایم، نمی توانیم شرایطش را تغییر بدهیم پس خودمان را هم نباید گول بزنیم که اسمش مضاربه است و فلان یا امثال آن، زیرا بانکی محور است که اروپها برای ما آورده اند شرایطی را ما باید ملتزم بشویم که آنها گفتند والا ما از دنیا حذف می شویم یعنی اگر ما بخواهیم شرایطی را که آنها در بانک معتبر کردند ملغاً کنیم، درواقع، خودمان را از سیستم اقتصادی دنیا کنار گذاشته ایم. پس باید بانک را با تمام سیستم آن راپذیریم. تا اینجا مسلم شد که بانک یک ضرورت اقتصادی و زیربنای تمام ضرورت های جامعه ماست و سپس دنبال چاره باشیم که ربا را در بانک چگونه علاج بکنیم. اگر مثل بعضی ها بگویند که مصلحت جامعه اقتضا دارد که در بانک ها ربا باشد، این مصلحت اندیشی چون در تعارض با احکام شرعی است، قابل قبول نیست با این حال، راه بسته نیست و ما روی کشف ملاک راه دیگری راپیش می گیریم.» (همان،

ص ۲۸ و ۲۹).

مرحوم خوئی سپرده گذاری به قصد به دست آوردن سود و بهره بانکی میان مسلمان و حربی و ذمی را جایز نمی داند، مگر با حیل شرعی و توجیه کردن آن، ایشان می فرمایند: «اظهر این است که ربا بین مسلمان و ذمی جایز نیست ولی بعد از وقوع معامله به خاطر قاعده الزام جایز است» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۴).

و نیز می فرماید: «بنابر نظر مشهور... ربا بین مسلمان و حربی، اگر مسلمان زیادی بگیرد جایز است، ولی این اشکال دارد، و احتیاط واجب این است که نباید سود بگیرد» (همان). به نظر مرحوم خوئی اگر بانک به عنوان مجهول المالک سودی بدهد گرفتن آن جایز است «سپرده گذاشتن مال به شرط به دست آوردن سود و فایده جایز نیست زیرا ربا است... اگر بانک سودی به او بدهد جایز است به عنوان مجهول المالک با اذن حاکم شرعی یا وکیلش اخذ کند.» (همان، ج ۱، ص ۴۰۷).

شاید مرحوم خوئی به روایت زراره که از امام باقر روایت کرده استناد نموده است، همان روایتی که حرعاملی در آن دو احتمال داده است به اینکه این حکم در این روایت یا مخصوص معامله ربوی بین مسلمان و ذمی است و یا اینکه بر کراهت حمل می شود. به خاطر جمع بین این روایت و روایات دیگر که برخلاف این هستند، (حرعاملی، ج ۱۲، ۴۳۶). بنابراین، بر اساس آرای فقههای شیعه که اقوالشان ارائه شد، گرفتن سود و بهره بانکی از کافر حربی و بانکهایی که متعلق به کافرانی است که مالشان محترم نیست جایز است، جز مرحوم خوئی که آنرا جایز نمی داند. اما پرداخت سود توسط مسلمان به غیر مسلمان در روایات شیعه و به نظر فقههای تشیع جایز نمی باشد، جز مرحوم معرفت که آنرا جایز می داند، اما اخذ سود و بهره بانکی از اهل کتاب و اهل ذمه مورد اختلاف میان فقههای شیعه است بعضی آنرا جایز و بعضی حرام دانسته اند.

آرای علمای اهل تسنن پیرامون بهره بانکی و ربا میان مسلمان و غیر مسلمان:

بر اساس آنچه که از سخنان علمای اهل تسنن به دست می آید، می توان آرا و نظرات آنان در این مورد به پنج دسته ذیل تقسیم بندی کرد:

دسته اول: علمایی که قایل به جواز ربا و گرفتن سود هستند در صورتی که مسلمان امان نامه داشته باشد :

به نظر ابوحنیفه، محمد بن الحسن شیبانی، ثوری، نخعی و عبدالملک بن حبیب، مسلمانی که وارد سرزمین غیراسلامی شود، و امان نامه داشته باشد می تواند از کافر حربی ربا بگیرد. (الکاسانی، ۱۳۲۷ ق، ج ۵، ص ۱۹۲)
این دسته به موارد زیر استدلال نموده اند:

- ۱- روایت مکحول که از پیامبر(ص) نقل کرده که حضرت فرموده اند: «بین مسلمان و کافر حربی در سرزمین غیر اسلامی ربا نیست» (سرخسی، ۱۳۲۴، ج ۱۴، ص ۵۶).
 - ۲- روایت جابر بن عبدالله از پیامبر(ص) که فرموده: «ربای دوران جاهلیت ساقط است، و اولین ربایی که ساقط می کنم ربای عباس بن عبدالمطلب است که تمام آن ساقط است» (نیسابوری، ۱۹۵۵ م، ج ۲، ص ۸۸۹).
- سرخسی گفته: «زیرا عباس بن عبدالمطلب بعد از اینکه مسلمان شد به مکه برگشت، و معامله ربوی می کرد، و کارش را از پیامبر مخفی نمی کرد، از آنجا که پیامبر (ص) او را از کار ربوی نهی نکرده است، بر جایز بودن آن دلالت دارد» (همان، ص ۵۷).
- مکه در آن دوره زمانی سرزمینی غیر اسلامی بوده است و مشرکان حربی ساکن مکه بودند، عباس با آنان معامله ربوی انجام می داد. بنابراین سودگرفتن از کافر در سرزمین غیراسلامی جایز است.

دسته دوم: علمایی که به نظرشان گرفتن سود در صورتی که امان نامه نباشد جایز است:

بعضی از علمای اهل تسنن جواز ربا و سود گرفتن مسلمان از کافر حربی را، مشروط نموده اند به اینکه امان نامه وجود نداشته باشد، و اگر امان نامه وجود داشته باشد، سود گرفتن حرام است، از جمله اینها ابن تیمیه است که گفته: «ربا میان مسلمان و کافر حربی در سرزمین اسلامی و غیر اسلامی حرام است، مگر اینکه بین مسلمان و کافر حربی امان نامه وجود نداشته باشد که در این صورت سودگرفتن جایز است» (ابن تیمیه، ۱۹۵۰، ج ۱، ص ۳۱۸).

دسته سوم: به نظر این گروه از علما گرفتن سود و ربا مطلقاً حرام است:

عده ای از فقهای اهل تسنن گرفتن سود توسط مسلمان از کافر، و معامله ربوی بین آنها را مطلقاً حرام دانسته اند خواه امان نامه میان دو طرف وجود داشته باشد، یا نباشد، و خواه در سرزمین اسلامی باشد یا در سرزمین غیر اسلامی. در کشاف القناع آمده «ربا بین مسلمان و کافر حربی در سرزمین اسلامی و غیر اسلامی حرام است، گر چه میان آنها امان نامه وجود نداشته باشد، به دلیل عموم آیه (و حرم الربا) و ادله دیگری» (بهوتی، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۲۵۹).

نووی مطلقاً اخذ سود را حرام دانسته است و آنرا به احمد بن حنبل، مالک و ابویوسف نسبت داده است.

ایشان گفته: «تفاوتی بین تحریم ربا در سرزمین اسلامی و غیر اسلامی نیست. هر چه در سرزمین اسلامی حرام باشد در سرزمین غیر اسلامی نیز حرام است، خواه معامله ربوی بین مسلمانان باشد، یا بین مسلمانی و کافری، و خواه مسلمان با امان نامه وارد سرزمین غیر اسلامی شود یا بدون امان نامه» (نووی، ۱۳۴۸ هـ.ق، ج ۹، ص ۳۹۱).

مرداوی حنبلی گفته: «ربا بین مسلمان و کافر حربی مطلقاً حرام است، و بیشتر علمای ما بر این نظر هستند، و بسیاری از آنها این را قطعی دانسته‌اند، و احمد بن حنبل به آن تصریح نموده است» (مرداوی حنبلی، ۱۹۵۶ م، ج ۵، ص ۵۲).

البته نسبت دادن حرمت به طور مطلق به احمد بن حنبل، تناقض دارد با آنچه که در الفروع ابن مفلح آمده است: «احمد گفته: ربا در سرزمین غیر اسلامی حرام نیست» (ابن مفلح، ۱۹۶۷، ج ۴، ص ۱۴۷).

دسته چهارم: این دسته از علما قایل به عدم جواز معامله ربوی بین مسلمان و کافر حربی در سرزمین کفار شده‌اند:

بیشتر فقهای شافعی، مالکی، حنبلی، اوزاعی، ابن حزم و ابویوسف یعقوب بن ابراهیم گرفتن سود و ربا از کافر حربی در سرزمین غیر اسلامی توسط مسلمان را جایز نمی دانند (طبری، ۱۳۲۰، ص ۵۹).

از استدلالات این دسته:

۱- آیات قرآن کریم «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربا» (آل عمران، ۲، ۱۳) و «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» (النساء، ۱۶۱) و «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (البقره، ۲۷۵) و ... این آیات دلالت بر تحریم ربا دارند و اختصاص به مکانی خاص و یا به قومی خاص ندارند. (ابن قدامه، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۴۶).

۲- ربا که در سرزمین اسلامی حرام است در سرزمین غیر اسلامی هم حرام است، چنانچه که دو مسلمان در سرزمین غیر اسلامی معامله ربوی کنند حرام است، همچنان حرام است در صورتیکه یک فرد مسلمان با یک کافر حربی که دارای امان نامه باشد در سرزمین اسلامی معامله ربوی کند، زیرا آنچه در سرزمین اسلامی حرام است در سرزمین غیر اسلامی نیز حرام است و هر چه در سرزمین اسلامی ربا باشد در سرزمین کفر نیز ربا و حرام است. (همان).

دسته پنجم: علمایی که به طور مطلق گرفتن سود و بهره بانکی از غیر مسلمان را جایز دانسته اند:

از جمله آنان دکتر غریب الجمال است که در صدد بیان نظر شرعی در این مسأله، گرفتن سود و بهره بانکی از بانکهای غربی را جایز دانسته است، ایشان می گوید: «مسلمانانی که در بانکهای غربی سپرده گذاری می کنند، سودهای اموالشان که حقیقتاً است و به اینها بر می گردانند، در حکم جواز گرفتن آن تردیدی نیست» (غریب الجمال، ۱۹۷۲م، ص ۴۳۵).

محمدرشید رضا بر جواز معامله ربوی میان مسلمان و غیر مسلمان تأکید دارد، بر جواز گرفتن سود و بهره بانکی از غیر مسلمان استدلال نموده است به اینکه، اگر مسلمانی در سرزمین غیر اسلامی اقامت کند آنها بر اساس قوانین خود از مسلمان سود و ربا می گیرند، و اگر گرفتن سود از آنها که با رضایت و اختیار و بر حسب همان قوانین که به فرد مسلمان پرداخت می کنند را حرام بدانیم به این معنی است که مسلمان باید جریمه بدهد، و سود نگیرد یعنی لازم است مسلمان ضرر و زیان ببیند و مغبون گردد. ایشان می

گوید: «به آنان - کسانی که گرفتن سود توسط مسلمان راحرام می دانند- از جهتی دیگر می گوئیم : اگر مسلمانی در سرزمین غیر اسلامی اقامت داشته باشد، آیا ادعا دارند که خداوند به مسلمان امر می کند که هر چه قانون حکومت آن سرزمینها ایجاب می کند از مال ربوی و غیره، باید مسلمان به آن مردم پرداخت کند - و چاره ای جز آنرا ندارد - ولی بر مسلمان حرام است هر چه که بر اساس همان قانون ، ربا و غیره با رضایت و اختیار به او بدهند!! یعنی آیا اعتقاد دارند که خداوند متعال بر مسلمان واجب کرده است که جریمه بدهد از آنجا که سود برای دیگران است!! یعنی بر مسلمان لازم است که مظلوم و مغبون باشد!!» (محمدرشید رضا، ۵، ۱۹۷۱).

از احمد بن حنبل روایت شده که ربا در سرزمین غیر اسلامی مطلقاً جایز است؛ زیرا شرط امان نامه نکرده است، و از جهت دادن سود توسط مسلمان و گرفتن سود از کافر نیز اطلاق دارد: «احمد به حنبل گفته: ربا در سرزمین غیر اسلامی حرام نیست» (ابن مفلح، ۱۹۶۷، ج ۴، ص ۱۴۷).



نتیجه گیری:

در این بحث نتایج ذیل به دست آمده است:

- ۱- بر اساس روایات شیعه و اهل تسنن گرفتن سود و بهره بانکی از کافر حربی در سرزمینهای غیر اسلامی جایز است.
- ۲- بر اساس روایتی که از طرق شیعه نقل شده است، گرفتن سود و بهره از کافر ذمی در صورتی که شرایط ذمه را نپذیرد جایز است.
- ۳- بر اساس روایات شیعه دادن سود به کافر جایز نیست، ولی بر اساس روایات اهل تسنن جایز است مشروط به اینکه در سرزمین غیر اسلامی باشد.
- ۴- به نظر فقهای شیعه گرفتن سود و بهره بانکی از کافر حربی و بانکهایی که متعلق به کافرانی است که مالشان محترم نیست، جایز است ، جز مرحوم خوئی که آنرا جایز نمی داند.
- ۵- پرداخت سود به کفار از دیدگاه فقهای شیعه جایز نیست، جز مرحوم معرفت که

آنرا جایز دانسته است.

ع- گرفتن سود و بهره بانکی از اهل کتاب و اهل ذمه مورد اختلاف فقهای شیعه است، بعضی آنرا جایز می دانند و بعضی حرام.

۷- علما و فقهای اهل تسنن پیرامون احکام سود و بهره بانکی و معاملات ربوی بین مسلمانان و غیر مسلمانان، نظرات مختلفی دارند، به چند دسته تقسیم می شوند، یک دسته مطلقاً گرفتن سود و بهره بانکی توسط مسلمان از کفار را جایز می دانند، دسته‌ای دیگر، حکم جواز گرفتن سود و بهره بانکی توسط مسلمان را منوط به عدم وجود امان نامه - در عصر کنونی برابر با قوانین رفت و آمد کشورها است - کرده‌اند، دسته سوم حکم جواز را مشروط نموده اند به اینکه در سرزمین غیر اسلامی باشند و امان نامه را شرط ندانسته‌اند، دسته چهارم مطلقاً حرام دانسته‌اند.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

منابع و مأخذ

- ۱- ابن بابويه قمی (صدوق)، محمد، مقنع، قم، مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۵ق.
- ۲- ابن بابويه قمی، محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق سیدحسن موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۳- ابن تیمیّه، مجد الدین ابی البرکات عبدالسلام، المحرر فی الفقه، القاهره، مطبعه السنه المحمديه، ۱۳۶۹ق / ۱۹۵۰ م.
- ۴- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، الرياض، مکتبه الرياض الحديثه، ۱۴۰۱ هـق/ ۱۹۸۱ م.
- ۵- ابن مفلح، ابو عبدالله محمد، الفروع، بیروت، عالم الکتب، ۱۳۸۸ هـق/ ۱۹۶۷ م.
- ۶- بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع، مکه، مطبعه الحکومه، ۱۳۹۴هـق.
- ۷- بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، هند، طبعه حیدرآباد الدکن، ۱۳۵۲ق.
- ۸- جبعی عاملی، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات و چاپخانه علمیه، ۱۳۹۶ق.
- ۹- حرعاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، طهران، منشورات المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ هـق.
- ۱۰- حکیم، عبدالهادی محمد تقی، فقه برای غرب نشینان مطابق با فتاوی آیت الله سیستانی، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، ۱۳۷۹ش.
- ۱۱- خامنه ای، علی، رساله اجوبه استفتاءات، ترجمه فارسی، تهران، ناشر شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.
- ۱۲- سرخسی، شمس الدین محمد بن احمد، المبسوط، القاهره، مطبعه السعاده، ۱۳۲۴ هـق.
- ۱۳- سیستانی، علی، منتخب توضیح المسائل، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۲۰ هـق.
- ۱۴- صدر، محمدباقر، البنك اللاروی فی الاسلام، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۸ق/ ۱۹۷۸ م.
- ۱۵- طبری، محمد بن جریر، اختلاف الفقهاء، القاهره، ۱۳۲۰ هـق.
- ۱۶- طحاوی، ابو جعفر احمد بن محمد، مشکل الآثار، هند، مطبعه حیدرآباد الدکن، ۱۳۳۳هـ.

- ۱۷- طوسی، محمد بن حسن، استبصار، تحقیق سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۹۵۶م.
- ۱۸- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، نشر صدوق، ۱۳۷۶ش / ۱۴۱۸-ق.
- ۱۹- غریب جمال، المصارف و المعاملات المصرفیه فی الشریعه الاسلامیه، مصر، دار الاتحاد العربی للطباعه، ۱۹۷۲م.
- ۲۰- کاسانی، علاء الدین ابی بکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، مصر شرکه المطبوعات العلمیه، ۱۳۲۷ هـ.ق.
- ۲۱- مرداوی حنبلی، علی بن سلیمان، الانصاف فی معرفه الراجح من اخلاف، القاهره، مطبعه السنه المحمديه، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.
- ۲۲- مجله نقد و نظر، سال دوم، شماره پنجم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۴ش، ص ۲۹، مصاحبه با آیت الله محمد هادی معرفت.
- ۲۳- محمد رشید رضا، الفتاوی، جمع و تحقیق الدكتور صلاح الدین المنجد و یوسف خوری، بیروت، دار الكتاب الجدید، ۱۹۷۱م.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۳ش.
- ۲۵- موسوی خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۲۶- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، نجف، مطبعه الاداب، ۱۳۹۰ق.
- ۲۷- نیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، القاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۵ هـ.ق / ۱۹۵۵م.
- ۲۸- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.